کرونا و آغاز فصلی جدید برای بازار کتاب در دنیا

■ **شیوع ویروس کرونا با وجود بحران مالی که برای ناشران و کتابفروشی‌ها ایجاد کرده، فصل جدیدی را برای بازار کتاب در دنیا رقم خواهد زد.**

گروه فرهنگ و هنر – شیوع ویروس کرونا بسیاری از کسب و کارها را تحت تاثیر قرار داد و کتاب و بازار نشر نیز مستثنی نماند. به رغم تاثیر منفی این بحران بر صنعت نشر، افزایش میزان مطالعه در دوران قرنطینه، راه را برای اندیشیدن به نوع تازه‌ای از سامانه‌های فروش گشود. چنانکه در کشور ما نیز بازار خرید آنلاین و تلفنی کتاب رونق گرفت و میزان اقبال عمومی به نسخه‌های مجازی افزایش یافت.

ریچل کوک خبرنگار روزنامه گاردین در گزارشی می‌نویسد: روزهای قرنطینه و خانه نشینی بار دیگر کتاب را در مرکز توجهات قرار داده است. سال‌ها بود که نقش کتاب تا این اندازه مهم و حیاتی تلقی نمی‌شد. برخلاف چیزی که انتظار می‌رفت در روزهای کرونایی که دسترسی به کتاب‌ها دشوارتر شده، تقاضا از همیشه بیشتر است. نتایج یک پژوهش جدید نشان می‌دهد که ۴۰ درصد از افراد روزهای سخت قرنطینه خانگی را با خواندن کتاب سر کرده‌اند. تمامی ناشران نیز افزایش قابل توجهی را در بازدید از سایت‌های اینترنتی و فروش کتاب‌های الکترونیک و صوتی خود گزارش داده و نسبت به احتمال شکسته شدن انحصار آمازون بر بازار آنلاین کتاب هیجان‌زده‌اند.

جیمز دانت مدیر کتابفروشی واتراستون در این باره می‌گوید: درآمد حاصل از فروش آنلاین تنها بخش کوچکی از درآمدی است که از فروشگاه‌های خود داشتیم اما خوشبختانه حالا مشتریان می‌بینند که بازار آنلاین کتاب انحصاری نیست.

استفن پیج مدیر کتابفروش فیبر (Faber) نیز معتقد است که باید از این شرایط مدلی حاصل شود که در آن زیست بوم فروش آنلاین جمعی‌تر است.

با این حال ناشران درباره ورود به حیطه فروش مستقیم محتاطانه عمل می‌کنند. گروهی این ایده را به عنوان طرحی پیچیده و پرهزینه رد می‌کنند چون نمی‌خواهند آمازون را تحریک کنند. دیگران اما به طور غیررسمی تایید می‌کنند که این روزها این ایده در بین اهالی صنعت نشر مطرح است.

جانی گلر نماینده ادبی و مدیر آژانس Curtis Brown در اظهارنظری در این باره می‌گوید: زمان این کار فرارسیده است. بیست سال است که دارم از ناشران می‌پرسم که چرا به حیطه فروش مستقیم ورود نمی‌کنند آن هم در حالی که داده‌ها، کلوب‌های کتابخوانی و وبسایت‌ها را هم در اختیار دارند. ناشران سابق بر این تنها ترجیح می‌دادند سرمایه‌شان را به شعبه‌های ضعیف‌تر تزریق کنند اما حالا مجبورند به این گزینه نیز فکر کنند.

اگر شرایط به همین منوال ادامه پیدا کند، به این کار تن خواهند داد. تلویزیون که هزینه بیشتری دارد راه ارائه محتوا به مردم را پیدا کرده است. صنعت نشر اما همچنان با همان الگویی که از سال ۱۹۲۰ داشته، به کار ادامه می‌دهد.

وقتی رمان جدید تونی پارسونز بیرون آمد، امکان تحویل آن وجود نداشت اما همان روز یک بدمینتون از آمازون سفارش دادم که صبح روز بعد تحویل داده شد.

گلر درباره واکنش نویسندگان به تغییرات و ابهامات ناشی از بحران کرونا نیز می‌گوید: خوب برایش مجهزند. در واقع با همان خودانزوایی روبه رو هستند که همیشه تجربه می‌کنند. آنچه دشوار است، پیدا کردن موضوعی برای نوشتن است که به شرایط موجود مربوط باشد.

جرمی تراوتان از ناشران انتشارات مک میلان انگلستان نیز درباره فصل جدیدی که کرونا برای بازار کتاب به ارمغان آورده، می‌گوید: در انتهای این تونل تاریک، نور است.

کتابفروشی‌های مستقل در این مدت باورنکردنی ظاهر شدند و با اسکیت و دیگر ابزار به تحویل کتاب‌ها ادامه دادند. چیز خوبی که از این شرایط حاصل شده به زیست بوم بازار کتاب مربوط می‌شود. در شرایط عادی، مذاکرات معمولا تا رسیدن به بهترین معامله ممکن ادامه دارد، چیزی که می‌تواند پرتنش و دشوار باشد.

اما حالا ما با خرده‌فروشان و چاپخانه‌ها همکاری می‌کنیم تا از روبه راه بودن اوضاعشان مطمئن شویم و نویسندگان و نماینده‌های ادبی نیز درباره مسائلی چون پرداختی‌ها به طور خارق العاده‌ای با ملاحظه هستند. به عنوان یک کمپانی فعال در صنعت نشر ما درباره آینده نگران نیستیم.

بازار کتاب‌های پرمخاطب خیلی خوب است در حوزه داستان‌های ادبی نیز وضعیت بد نیست.

ما نیز چون دولت برآورد می‌کنیم که بازار کتاب در این سه ماه از سال ۷۰ درصد و در سه ماه سوم سال ۵۰ درصد افت داشته باشد اما براساس پیش‌بینی‌های ما در سه ماهه چهارم اوضاع به شرایط عادی نزدیک خواهد شد.

استفان پیج نیز در مصاحبه اینترنتی خود با خبرنگار گاردین در این باره عنوان کرد: چهار، پنج سال گذشته صنعت نشر رونق خوبی داشته است.

حسرتش را می‌خوریم اما خواندن و نوشتن هنوز وجود دارد. آثار اورجینال در این قرنطینه و خانه نشینی نیز خلق خواهد شد همانطور که از دل بحران اقتصادی بیرون آمدند.

ناشران سابق بر این تنها ترجیح می‌دادند سرمایه‌شان را به شعبه‌های ضعیف‌تر تزریق کنند اما حالا مجبورند به این گزینه نیز فکر کنند. اگر شرایط به همین منوال ادامه پیدا کند، به این کار تن خواهند داد. تلویزیون که هزینه بیشتری دارد راه ارائه محتوا به مردم را پیدا کرده است. صنعت نشر اما همچنان با همان الگویی که از سال ۱۹۲۰ داشته، به کار ادامه می‌دهد. وقتی رمان جدید تونی پارسونز بیرون آمد، امکان تحویل آن وجود نداشت اما همان روز یک بدمینتون از آمازون سفارش دادم که صبح روز بعد تحویل داده شد.

وحید سالمی؛ عکاس خبری

عکس‌های کرونا در تاریخ ایران ماندگار می‌شوند

گروه فرهنگ و هنر – با شیوع گسترده ویروس کرونا در کشور، فصل جدیدی برای هنرمندان عکاس رقم خورد؛ چالشی دوسویه که علامت سوالی بزرگ را هم مقابلشان قرار می‌داد؛ از یک طرف نیاز بود که تصاویری از وضعیت پیش آمده به ثبت برسد و از طرفی روند ثبت این عکس‌ها تهدیدی جدی برای جانشان به شمار می‌رفت. ثبت تصاویر از حال و هوای قرنطینه و یا شهر بیمار، سوژه‌های نابی را پیش رویشان می‌گذاشت؛ تصاویر دلخراش از بحرانی که شاید هر یک قرن یک بار اتفاق می‌افتد.

گفت‌وگو با وحید سالمی ـ عکاس خبری ـ را در ادامه بخوانید:

او می‌گوید: من از فضای بیمارستانی و فضایی که خیلی نزدیک به بیماران کرونایی بود، عکسی نگرفتم ولی همکارانم از بیماران، فضای بیمارستانی، افرادی که فوت کردند، تشییع، تدفین و تغسیل آنها تصاویری را به ثبت رسانده‌اند. این تصاویر عکس‌های خیلی خوبی بودند و برخی از آنها حتما در تاریخ عکاسی کشور باقی خواهند ماند. «در شرایط قرنطینه، تعطیلی کسب و کارها و خلوتی خیابان‌ها سوژه‌های جالبی برای عکاسی بودند. آیا تصاویری از آنها به ثبت رسانده‌اید؟» پاسخ می‌دهد: بله؛ از خیابان‌های خلوت، تعطیلی و بازگشایی دوباره کسب و کارها، تعطیلی بازارهای اصلی در شب عید و وضعیتی که برای آنها غیر معمول بود و تغییرات زندگی روزمره، عکس‌های متعددی گرفتم.

او همچنین عنوان می‌کند که به عنوان یک عکاس خبری با سوژه‌های عکاسی خود گپ و گفتی داشته است که وضعیت پیش آمده برای مردم غیرطبیعی بوده و باعث سردرگمی‌شان شده بود. این عکاس همچنین درباره تأثیر شیوع کرونا در روند کاری خود می‌گوید: تنها تأثیر مستقیم این شرایط، از نظر حفاظت و رعایت شرایط بهداشتی بود و تأثیر دیگری نداشته است؛ فقط باید مراقب می‌بودیم که در زمان حضور در بین مردم، موارد بهداشتی را رعایت کنیم تا مبتلا نشویم.

آخرین تجربه ایران از چنین بحرانی به سال ۱۳۲۱ باز می‌گردد

او وضعیت کنونی را با شیوع بیماری تیفوس در ایران در سال ۱۳۲۱ با ورود نیروهای متفقین (لهستانی) به ایران مقایسه می‌کند و می‌گوید: زمانی که ایران در بحبوحه جنگ جهانی دوم توسط نیروهای متفقین اشغال شد، بیماری تیفوس شیوع پیدا کرد و افراد زیادی از بین رفتند.

شیوع تیفوس در ایران آخرین تجربه چنین اپیدمی در کشور بود. عکس‌هایی از آن زمان باقی مانده است که به احتمال زیاد توسط عکاسان خارجی به ثبت رسیده است؛ چون در ایران دسترسی مردم به دوربین خیلی نبوده است و افراد محدودی امکان ثبت عکس از آن وضعیت را داشته‌اند.

سالمی در پاسخ به اینکه عکاسی خبری در نشان دادن این وقایع به آیندگان تا چه حد تأثیرگذار خواهد بود؟ اظهار می‌کند: عکاسی خبری تأثیراتی که در چند دهه گذشته داشته است، اکنون ندارد؛ زیرا امروزه مردم به راحتی به رسانه‌های اجتماعی دسترسی دارند و روزانه عکس و فیلم‌های مختلفی از اتفاقات گوناگون می‌بینند.

چند دهه گذشته به مراتب بارها مرگ و میرهای گسترده بیشتر به علت قحطی و کمتر بیماری، داشته‌ایم. در آن زمان مردم خیلی به دوربین دسترسی نداشتند و نقش عکاسان پررنگ‌تر بود.

او ادامه داد: اکنون نمی‌توان گفت که عکاسان نقش خیلی پررنگی در ثبت وقایع دارند، البته عکس‌هایی گرفته‌اند که در تاریخ خواهد ماند و استفاده خواهد شد به خصوص آنهایی که در عمق زندگی مردم نفوذ می‌کنند.

عکاسانی که خیلی عمیق‌تر برخورد می‌کنند ممکن است حالا تأثیر خیلی بیشتری روی مردم بگذارند. البته کلیه این عکس‌ها در تاریخ باقی خواهد ماند چه سطحی و چه عمقی.

«آیا این اتفاق تأثیری در دنیای عکاسی خبر خواهد داشت؟» می‌گوید: هر بحران خیلی بزرگی که به وجود می‌آید، تعدادی عکاس جدید جذب می‌کند؛ چون این اتفاقات جذابیت‌هایی دارد که باعث جذب عکاسان جدید می‌شود.

همانگونه که انقلاب‌ها و جنگ‌ها نیز عکاسان جدیدی را جذب می‌کردند. یکی دیگر از تأثیرات آن روی مارکتینگ و کسب و کار رسانه‌ها خواهد بود که باید دید چه پیش می‌آید؟ البته این امر به اقتصاد دنیا و تأثیر آنها روی اقتصاد رسانه‌ها مربوط است.

چگونه زبان فارسی را حفظ کنیم؟

گروه فرهنگ و هنر – زبان فارسی بخشی از هویت ملی ماست و همه باید در حفظ و نگهداری صحیح آن بکوشیم. زبان فارسی بخشی از هویت ماست و باید آن را حفظ کرد. این جمله‌ای است که شاید آن را شنیده باشیم یا جزئی از باورمان باشد، اما چگونه می‌توان زبان فارسی را حفظ کرد؟ مگر ما فردوسی هستیم که بتوانیم اثری مانند شاهنامه خلق کنیم و از این طریق زبان فارسی را حفظ کنیم. حفظ زبان فارسی آنقدرها هم که گمان می‌کنیم دشوار نیست و نیازی نیست حتما شاعر یا نویسنده یا مترجم باشیم تا بتوانیم از زبان مانند سرزمینمان حراست کنیم. به هرحال چه بخواهیم و چه نخواهیم در سرزمینی به نام ایران زاده شده ایم و در قبال این سرزمین مسئولیم. باید برای حفظ و حراست از آن تلاش کنیم. این تلاش جنبه‌های متفاوتی دارد و از آب و خاک این سرزمین تا فرهنگ و زبان آن را دربرمی گیرد. برای حفظ زبان فارسی که زبان سرزمینمان است نیازی نیست مانند زال در شاهنامه از سیمرغ کمک بگیریم. برای حفظ زبان فارسی کافی است درست بنویسیم و از میزان غلط‌های املایی خود بکاهیم. برای این کار نیازی به خواندن چندین رساله دکتری در زمینه زبان فارسی نیست. کافی است ساعاتی را در روز به مطالعه اختصاص دهیم یا اگر فرصت آن را نداریم، املای درست کلمات را در لغت نامه‌های معین یا دهخدا ببینیم. بعد با توجه به معنای کلمه املای درست آن را به کار ببریم. نیازی نیست حتما لغت نامه معین یا دهخدا در کتابخانه مان باشد؛ نرم افزارهای لغت نامه معین و دهخدا هم می‌تواند به ما کمک کند. برخی موارد نوشتاری را که امروز به غلط در فضای مجازی دیده می‌شود، استفاده نکنیم. از آن جمله که بیشترین کاربرد را در فضای مجازی دارد، می‌توان به استفاده از (ه) به جای کسره در کلماتی که موصوف و صفت یا مضاف و مضاف الیه هستند، اشاره کرد؛ مثل گل زیبا یا آفتاب زندگی. این کلمات را به صورت «گله زیبا» یا «آفتابه زندگی» ننویسیم. یا اینکه آقا را به صورت «عاقا» یا «آغا» ننویسیم. کلمه «عاقا» در زبان فارسی کاربردی ندارد و «آغا» معنایی بسیار متفاوت با «آقا» دارد. این نوشتار تنها برای «آغا محمد خان قاجار» صحیح است. راه دیگری که برای حفظ زبان فارسی وجود دارد، این است که کلمات زبان فارسی را در فضای مجازی به صورت فینگلیش ننویسیم. زبان فارسی حروف خاص خود را دارد و بهتر است برای زبان فارسی از حروف فارسی استفاده کنیم. گرچه حروف انگلیسی هم که در فینگلیش استفاده می‌شود حرف هستند، اما این حروف برای زبان دیگری کاربرد دارند. هر زبانی حروف مخصوص به خود را دارد. یادگیری زبان انگلیسی یکی از نیازهای امروز هر کسی است و نمی‌توان توصیه کرد این زبان را فرا نگیرید. به هرحال ما برای ارتباط با جهان به این زبان نیاز داریم چرا که یک زبان بین المللی است. اما فراموش نکنیم وقتی با زبان فارسی صحبت می‌کنیم از کلمات فارسی استفاده کنیم و وقتی به زبان انگلیسی حرف می‌زنیم، از کلمات انگلیسی. نیازی نیست بخشی از حرف هایمان به زبان فارسی باشد و بخشی دیگر به زبان انگلیسی گفته شود. به جای اینکه بگوییم «به من واتر بده» بگوییم «به من آب بده». وقتی می‌خواهیم یک اصطلاح علمی را به کار ببریم، اگر آن اصطلاح را به زبان انگلیسی به کار نبریم مخاطب منظور ما را متوجه نمی‌شود. اینجا ایرادی ندارد از کلمه انگلیسی استفاده کنیم، اما اگر غیر از این باشد، یک عقب گرد تاریخی در درونمان اتفاق افتاده است. در زمان قاجار برخی از ایرانیان که به کشورهای اروپایی می‌رفتند پس از بازگشت از اروپا برای اینکه نشان دهند به اصطلاح خودشان فرنگ رفته اند، کلمات انگلیسی را در جملات فارسی استفاده می‌کردند. ولی ما الان در دوره قاجار زندگی نمی‌کنیم؛ پس بهتر است از این شیوه استفاده از کلمات انگلیسی دست برداریم و کلمات انگلیسی را تنها در جای خودش استفاده کنیم. در نوشتار از زبان معیار یعنی زبانی که در کتاب‌های درسی مان استفاده می‌شود، بهره ببریم. همانگونه که در برگه‌های امتحانی مان کلمات را سالم می‌نویسیم و از شکسته نویسی پرهیز می‌کنیم، در فضای مجازی هم در صورت ناآگاهی از شیوه نگارش صحیح کلمه‌ای به زبان محاوره از شکسته نویسی بپرهیزیم و کلمات را سالم استفاده کنیم.

معرفی کتاب

«میس جینی و زنان دیگر»

گروه فرهنگ و هنر – میس جینی و زنان دیگر مجموعه هشت داستان از نویسنده آمریکایی ویلیام فاکنر است که احمد اخوت آن‌ها را در یک کتاب جمع و ترجمه کرده است. اخوت در مقدمه کتاب اشاره می‌کند که مهمترین داستان فاکنر با محوریت زن، یعنی شاخه گلی برای امیلی در این اثر جای نگرفته و به همین دلیل ضمن تقدیم کتاب به یاد و خاطره میس امیلی گریرسون (شخصیت اصلی این داستان)، کتاب را با سخنان سال ۱۹۵۵ فاکنر در مورد همین داستان آغاز می‌کند. اخوت همچنین در مقدمه‌ای با عنوان زنان فاکنر به دو زن مهم در زندگی فاکنر اشاره کرده و می‌افزاید که تلاش کرده همه زنانی را که فاکنر با آنها آشنایی داشته «و هر یک گوشه‌ای به زندگی خود ادامه می دهند» دور هم جمع کند: به جز میس امیلی جای چند زن دیگر هم خالی است اما فعلاً اسم بردن از آنها ضرورت ندارد . فقط یکیشان، الی (شخصیت مرکزی داستان الی Elly)، قرار بود در این مجموعه حضور داشته باشد و با زحمت زیاد فارسی هم یاد گرفت اما آخر دست با شرمندگی به او گفتم الِی جان بهتر است فعلاً از این سفر منصرف شوی . (به قول استاد بیضایی) شاید وقتی دیگر. او هر چند دختر بی گناهی است اما قیافه و رفتار غلط اندازی دارد که شاید به نظر بعضی جلف بیاید! به هر صورت متأسفم که نشد بیاید. ص. ۱۳. اخوت همچنین در همین مقدمه می‌نویسد: از هشت زن این کتاب شش نفر به قول فاکنر زنانی از دست رفته اند؛ آدم‌هایی شجاع و باشرف که می‌کوشند هر طور هست روی پای خود بایستند و حقشان را بگیرند. به اغلب این‌ها ظلم می‌شود. این زنان در مقابل دو زن، مادربزرگ میلارد و ویرجینیا شخصیت مرکزی داستان قرار می گیرند که از دست رفته نیستند چون تا پایان، اقتدار خود را حفظ می‌کنند. اخوت علاوه بر مقدمه کتاب برای هر داستان شامل درگیری در سرای سارتویس، مادربزرگم میلارد، سپتامبر بی‌باران، آن خورشید دم غروب، ملکه‌ای بود، میس زیلفیا گانت، سنجاق سینه و برف، برای داستان آخر پیوستی را نیز نوشته است. میس جینی و زنان دیگر پنجمین کتاب از مجموعه میراث فاکنر انتشارات افق است. آثار این مجموعه را شامل اسب‌ها و آدم‌ها، گنج نامه، جنگل بزرگ و کارآگاه دهکده، احمد اخوت با مقدمه‌های کامل انتخاب و ترجمه کرده است.

معرفی کتاب

«جایی که هستم»

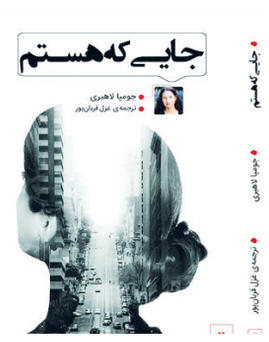

گروه فرهنگ و هنر – داستان بلند «جایی که هستم» اثر جومپا لاهیری به تازگی منتشر شده است.

این داستان بلند با ترجمه غزل قربان‌پور در ۱۷۶ صفحه با قیمت ۲۷۵۰۰ تومان در انتشارات کتاب تداعی منتشر شده است.

در معرفی ناشر از این کتاب آمده است: «جایی که هستم» نخستین تجربه داستان‌نویسی جومپا لاهیری به زبان ایتالیایی است که پس از مهاجرت این نویسنده به این کشور صورت پذیرفته و ترجمه فارسی نیز از زبان ایتالیایی به فارسی انجام شده است.

لاهیری در این کتاب به این امید که پا را از مرزهای سابقش در نگارش فراتر بگذارد و زبان ادبی جدیدی را بیازماید و به سمت گسترش بیشتر آن برود، سعی کرده تا داستانی با مضمون هراس و اشتیاق یک زن به زندگی را بازگو کند.

زنی که در محوریت این داستان است بین حرکت و سکون، بین کشف و شناسایی مکان جدید و پرهیز از آن به طور همزمان، برای ایجاد ارتباط در نوسان است.

شهری که در آن زندگی می‌کند، او را مسحور خویش ساخته و پس زمینه زندگی روزمره او و تقریبا مخاطب خاص اوست: پیاده‌روهای اطراف خانه، باغ‌ها، میدان‌ها، خیابان‌ها، مغازه‌ها، کافه‌ها، استخری که مشتقانه به آنجا می‌رود، ایستگاه اتوبوسی که او را تا مسافتی دورتر می‌برد، یافتن مادرش که پس از مرگ زودهنگام پدر در انزوای بیمارگونه ای غوطه ور شده است و پس از آن همکارانی که با نیمی از آن‌ها قادر به تعامل نیست.

دوستان و «او» که سایه‌ای تسلی‌بخش و آزارگر است.

تا زمانی که لحظه گذر می‌رسد. در طول یک سال و پشت سر گذاردن فصل‌ها، زن به «بیداری» می‌رسد.

جومپا لاهیری پیش از این در ایران با آثاری چون «مترجم دردها»، «همنام» و «خاک غریب» شناخته شده است.

او در سال ۲۰۰۰ میلادی برای نگارش رمان «مترجم دردها» برنده جایزه ادبی پولیتزر بهترین اثر نخست یک نویسنده از نگاه مجله نیوروکر و برنده جایزه «فرانک اوکانر» شده است.

جایزه کتاب ایندی نامزدهای نهایی خود را شناخت

گروه فرهنگ و هنر – فهرست نامزدهای نهایی جایزه کتاب نسل آینده ایندی در چهار بخش ادبیات داستانی، ادبیات غیرداستانی، کتاب تصویری و کتاب کودک اعلام شدند.

دختر، زن، دیگری از برناردین اواریستو نویسنده بریتانیایی برنده جایزه بوکر، ۱۰ دقیقه و ۳۸ ثانیه در این دنیای عجیب (10 Minutes 38 Seconds in This Strange World) اثر الیف شافاک نویسنده ترک تباری که یکی از پرفروش‌ترین نویسندگان جهان است، رمان جایت اینجا امن است (You Will Be Safe Here) نوشته دایمین بار نویسنده انگلیسی در میان عناوینی هستند که به فهرست نامزدهای نهایی بخش داستانی جایزه کتاب نسل آینده ایندی (Indie Book Awards) سال ۲۰۲۰ راه یافتند.

کتاب پنج نفر: زندگی ناگفته زنانی که توسط جک قاتل به قتل رسیدند (The Five: The Untole Lives of The Women Killed By Jack The Ripper) اثر هالی روبن‌هولد برنده جایزه بیلی جیفورد ۲۰۱۹ و پزشک جنگ (War Doctor) از دیوید نات که روایتی از داستان جراحی است که در مناطق جنگی خدمت می‌کند از جمله کتابهایی هستند که در فهرست نهایی نامزدهای این جایزه در بخش غیرداستانی جای گرفتند.

تافی (Toffee) از سارا کراسن نویسنده ایرلندی، سونامی سامرست (The Somerset Tsunami) اثر اما کارول، دیپ لایت (Deeplight) از فرانسیس هاردینگ، دختری که به زبان خرس‌ها صحبت می‌کند (The Girl Who Speaks Bear) از سوفی آندرسون نیز برای دریافت جایزه بهترین کتاب کودک نامزد شدند.

کتاب الفبای حیوانات (Animalphabet) از جولیا دونالدسون و شارون کینگ چای، گرتا و غول‌ها (Greta and the Giants) اثر زویی تاکر و زویی پرسیکو، نگران نباش خرچنگ کوچولو (Don't Worry Little Crab) از کریس هاوتون، الفی در تعطیلات (Alfie on Holiday) اثر شرلی هیوز، کنارت می‌مانم (I'm Sticking with You) از اسمیتری هالز و استیو اسمال و فرانکلین و لونا به ماه می‌روند (Franklin and Luna Go to the Moon) اثر جن کمپبل با تصویرگری کیتی هارنت نیز برای دریافت جایزه بهترین کتاب تصویری نامزد شدند.

نامزدهای جایزه کتاب نسل آینده ایندی با رای گیری از طرف کتابفروشی‌های مستقل انتخاب شده و توسط هیات داورانی متشکل از نویسندگان، کتابفروشان و روزنامه نگاران قضاوت می‌شوند. اسامی برندگان این جایزه در تاریخ ۲۶ ژوئن (۶ تیر) اعلام خواهد شد.

اقتصاد کیش روزنامه
پرتیراژترین و با سابقه ترین نشریه جزیره کیش
گسترده ترین شبکه اطلاع رسانی داخلی منطقه آزاد کیش
۴۴۴۲۴۹۶۹
۴۴۴۲۴۹۹۹